

[illegible]

گفت‌وگو با علیرضا افخمی: نویسنده و کارگردان

به غرور رنده‌هیم!

علی‌مظاهری
روزنامه‌نگار

بوق اشغال

کاش به دهه بعد اتفاق بیفته؟

چندتا کار خوب ساخته باشم.

کی ضرورت شد ساختن سریال؟

وقتی فهمیدم از بعضیا که می‌سازن بهترم.

از واردات غیرقانونی ذهن تون؟

نیرس.

قلب تون؟

اون رو هم نیرس.

به چی گذرنامه نمیدین به کشور وجودتون وارد بشن؟

به این‌که مرگ یعنی نیستی.

براش اندوهگین میشین؟

برای همه دوستان و آشنایانی که در چنبره مشکلات اقتصادی گیر کردن.

به چه نتیجه‌ای رسیدین هم‌اکنون درباره این گفت‌وگو؟

مصاحبه سختیه، خیلی پسیدا کردن جواب برای نقطه چین هاش سخته.

در زمان بسی کوتاه موضوع خیلی مهم غیرقابل حل براتون حل شد؟

این تجربه رو خیلی دارم یکیش همین احضار.

یعنی انکار خدا خیلی دوستون داره یا دایل دیگه داره؟

همیشه امیدوار بودم دلایلش همین باشه.

درباره احضار می‌گفتین.

باور نمی‌کردم به موقع برسه و پخش بشه، با این‌که قبلا مکرر توی سریال‌هام این تجربه رو می‌کردم نمی‌رسه به پخش ولی همیشه رسید.

نتیجه این تجربه؟

از خودم تعجب می‌کنم چرا باز برای سریال بعدی دچار تردید و ترس میشم.

ترس برای کیفیت؟

از این‌که به آتن نرسه. همیشه خدا به‌من میگه غلط می‌کنی می‌ترسی دیدی رسید.

چی جالبه؟

این‌که همش داریم حیرت می‌کنیم از همه چی.

بخشی از جذابیت زندگی براتون؟

زنده بودن. کار کردن. دیدن.

براتون متفاوت‌تر از همیشه جلوه‌کن تازگی؟

خیلی سؤالاتی سختی می‌پرسی؛ چیزی نیست.

کم نیوده بسیار بوده؟

سعی کردین به شدت رد بشین، جانبارین؟

کاش به دهه بعد اتفاق بیفته؟

چندتا کار خوب ساخته باشم.

کی ضرورت شد ساختن سریال؟

وقتی فهمیدم از بعضیا که می‌سازن بهترم.

از واردات غیرقانونی ذهن تون؟

نیرس.

قلب تون؟

اون رو هم نیرس.

به چی گذرنامه نمیدین به کشور وجودتون وارد بشن؟

به این‌که مرگ یعنی نیستی.

براش اندوهگین میشین؟

برای همه دوستان و آشنایانی که در چنبره مشکلات اقتصادی گیر کردن.

به چه نتیجه‌ای رسیدین هم‌اکنون درباره این گفت‌وگو؟

مصاحبه سختیه، خیلی پسیدا کردن جواب برای نقطه چین هاش سخته.

در زمان بسی کوتاه موضوع خیلی مهم غیرقابل حل براتون حل شد؟

این تجربه رو خیلی دارم یکیش همین احضار.

یعنی انکار خدا خیلی دوستون داره یا دایل دیگه داره؟

همیشه امیدوار بودم دلایلش همین باشه.

درباره احضار می‌گفتین.

باور نمی‌کردم به موقع برسه و پخش بشه، با این‌که قبلا مکرر توی سریال‌هام این تجربه رو می‌کردم نمی‌رسه به پخش ولی همیشه رسید.

نتیجه این تجربه؟

از خودم تعجب می‌کنم چرا باز برای سریال بعدی دچار تردید و ترس میشم.

ترس برای کیفیت؟

از این‌که به آتن نرسه. همیشه خدا به‌من میگه غلط می‌کنی می‌ترسی دیدی رسید.

چی جالبه؟

این‌که همش داریم حیرت می‌کنیم از همه چی.

بخشی از جذابیت زندگی براتون؟

زنده بودن. کار کردن. دیدن.

براتون متفاوت‌تر از همیشه جلوه‌کن تازگی؟

خیلی سؤالاتی سختی می‌پرسی؛ چیزی نیست.

کم نیوده بسیار بوده؟

سعی کردین به شدت رد بشین، جانبارین؟

کاش به دهه بعد اتفاق بیفته؟

چندتا کار خوب ساخته باشم.

کی ضرورت شد ساختن سریال؟

وقتی فهمیدم از بعضیا که می‌سازن بهترم.

از واردات غیرقانونی ذهن تون؟

نیرس.

قلب تون؟

اون رو هم نیرس.

به چی گذرنامه نمیدین به کشور وجودتون وارد بشن؟

به این‌که مرگ یعنی نیستی.

براش اندوهگین میشین؟

برای همه دوستان و آشنایانی که در چنبره مشکلات اقتصادی گیر کردن.

به چه نتیجه‌ای رسیدین هم‌اکنون درباره این گفت‌وگو؟

واقعیت، خرافه نیست!

از مشکلات بزرگ سریال سازی با محوریت بُعد دیگر و ماورای این جهان در ایران حتی ساخت فیلم افسانه‌ای که در هیچ کجای جهان هرگز با این گونه نیست، به گفته علیرضا افخمی که با او یک فرشته بود تماشای مان را سرشار کرد و مال خود کرد، همین است که: مردم خیلی فیلم را جدی می‌گیرند یا باید کاملا سوررئال و فانتزی باشد یا نمی‌شود زیرا در فضای ریلد و واقعی هرگونه سریال و فیلم، به شدت و به شکل عجیبی از سوی مردم چنان امر واقع در نظر گرفته می‌شود و مانند موضوعی تحقیق شده که این محقق مدعی طرح می‌کند با چنین سریالی برخورد می‌کنند.

برخلاف فیلم‌های ماورایی که حتی در ترکیه بسی کوشش میشه با پرورنده سازی و تهیداتی از این دست واقعی و رخ داده به نظر بیاید و در جهان کهن سده امروز با زهرم جدی گرفته نمی‌شود اما در ایران، باز هم به سختی استاد افخمی: ما در اینجا چنین ادعایی نمی‌کنیم و نداریم اما با زهرم باور

میشه و این خیلی نقیصه بزرگی به شمار می‌رود بعید می‌دانم جاهای دیگر جهان چنین باشد. در غرب ای ما شاا... فیلم‌های این ژانر تهیه می‌شود مانند جن، گر، طالع نحس، تیمم خانه، دیگران... و کسی اینها را به خرافه و ترویج دادن خرافه نسبت نمی‌دهد زیرا بیبنده به عنوان داستان با آن برخورد می‌کند نه واقعیت اما بیبنده هفت ما توی کث‌شان نمی‌رود که فیلمی را ببینند و به عنوان قصه داستان تلقی‌اش کنند. مردم ایران هر ژانر فیلمی را به عنوان مستند فرض می‌کنند و می‌گیرند مثلا اگر درباره جن یا موجودی عجیب فیلمی بسازیم مردم ما نمی‌گویند یک داستان سرگرم‌کننده و تماشایی دیدیم که فیلمساز هم مدعی هیچ واقعیتی نبود هرچند آن را در فضای واقعی ساخته و پرداخته بود بلکه اظهار می‌دارد خرافه و گسترش خرافه است....

ما کشوری کهن با داشته‌های بسیاریم از جمله فرهنگ مردم در بعد طول و داستان که سرشار مثل‌های هزارویک شبی و جادوسنت افخمی با این اشاره که در جوامع مسیحی و یهودی هم این گونه داستان‌های عامیانه و قدیمی درباره

موجودات فراواقعی بوده، می‌گوید این رویکرد باعث شده سینمای ما در بعد ماورا فقیر باشد. این‌گونه اصلا پانگرفته. هرکس هرچه ساخته به جای این‌که بگویند یک داستان خوب دیدیم و حال کردیم می‌گویند یک داستان خرافاتی بود که سعی داشت در میان مردم خرافه پروری کند که باعث شده این ژانر خیلی لاغر و ضعیف بماند و در ایران، رشد طبیعی نداشته باشد.

جالب این که خود افخمی نیز با کسی که مستقیم و مستند با جن و پری برخورد کرده باشد و این کاره باشد هیچ دیداری نداشته و چنین کسانی را ندیده، هرچند با مستندات مذهبی و رخ داده‌های تایید شده از سوی علمای بزرگ آشناسنت با این حال حتی ساختن فیلم بر این اساس و بر پایه داده‌های روایت شده از علمایی مانند علامه طباطبائی (ره) نیز با هممان سرنوشت روبه‌روست هرچند اینان ثقه هستند و شکی در راستی‌شان نمی‌رود.

افخمی مواجعه‌اش را با این مستندات و داستان‌های تایید شده حیرت‌زدگی می‌شمارد نه باور صدرصد. اما مردم

در گستره بسیاری زمینه باور صدرصد دارند و حتی هرکدام انبانی از این داستان‌ها دارند که مدعی‌اند برای خودشان بخشی از آنها و افعار داد.

گفته‌اند از اینها به گفته این نویسنده و کارگردان، یکی دیگر از مشکلات ما علم‌زدگی است با این که در این جهان مسائل و قدرت‌ها و حساب کتاب‌هایی هست که از ادراک ما بسی فراتر است اما جهان علم‌زده سال‌ها دارد به ما حقه می‌کند که هرچه را حواس ظاهری درک کند هست و لاغیر، این بسیار تبلیغ می‌شود در دنیای علم‌زده امروز که به نظر افخمی بسیار رویکرد خطرناکی محسوب می‌شود این که چنین باور کنیم که همه چیز و هر واقعیتی با حواس و عقل ما قابل دریافت و بررسی است این پذیرش، بسیار خطرناک است باور به این‌که با این درک ناقص می‌توان همه واقعیات را درک کرد بسی احقانه است حتی!

ولی جهان علم‌زده با همه توان دارد می‌کوشد که این را به همه بقولاً و نه به شدت دیکته‌اش می‌کند. از این رو اگر چیز عجیبی ارائه شود که با حس مردم جور در نیاید باورش نمی‌کنند این

خوب نیست رخ داده‌های زیادی در جریان است که درک و فهم چرایی‌شان را نمی‌توانیم در یابیم یعنی اموری در کار این دنیا دخالت دارد که برای ما زمینه فهمش نیست به این باور دارم ولی جهان امروز برعکس! در همه موارد و ابعاد جهان نیروهایی در کار است ناشناخته و فراتر از شناخت ما مثلا کسی ممکن است بسیار بکشد ولی به جایی نرسد و تلاشش به دستاورز مادی خاصی منجر نشود کیم تلاش داشته عوام از بدشناسی می‌گویند من می‌گویم شاید وجود ندارد این بدشناسی نیست بلکه چیزهایی فراتر از درک ما در کار است که این آدم با همه تلاش به جایی نرسد این اعتقاد من است که دنیای امروز هم به چنین باورداشتی می‌خندد ادعا دارد که دنیا قابل توصیف دقیق است آن هم با علم.

جالب این که در زندگی عرفای معاصر مثل شیخ ربیععلی، حاج محمدرضا الطافی نشاط، نخودکی و علامه طباطبائی (ره) از برخورد با دیوان و اهریمنان، روایت‌هاست و موثقان، راوی این رویدادها هستند ولی به اینها نیز نمی‌توان پرداخت.